



Genealogy of crimes against security in Iranian jurisprudence and law

Mohammad Hosein Alipoor¹

Abstract

Security plays an incomparable role in the survival and continuity of political systems, and for this reason, crimes against security are of considerable interest to governments. And for this type of crime, the punishment is more severe than normal crimes. Governments criminalize titles as crimes against security based on intellectual foundations and under the influence of Mukhtar's discourse and security approach. In this category of crimes, in addition to taking into account more severe punishment, it also deviates from the principle of territoriality. normal crimes, the preliminaries of the crime in this category of crimes are considered the crime itself, and the scope of reluctance to reduce criminal responsibilities is defined quite narrowly. The purpose of the current research is to examine the historical conditions of Iran based on the approaches and security discourses of the world in order to count the lineages and generations involved in crimes against security in Iran. The method of this research is descriptive and analytical with a genealogical approach and has benefited from library studies. The findings show that crimes against security in Iran have witnessed changes and developments under the influence of security approaches and discourses in the world. As a result, 5 generations and main streams can be counted. , the lineage of Shia Islamic jurisprudence with a systematic jurisprudence approach is based on monotheistic security discourse and an expanded security approach. It was explained as the classiest and most efficient class as appropriate to contemporary security information issues and threats.

Keywords: Genealogy; Security Discourse; Crimes Against Security; Law And Jurisprudence; Systematic Jurisprudence.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of the Great Prophet, Imam Hossein University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.126.5.6
mh.anjay@gmail.com





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰

تبارشناسی جرائم علیه امنیت در فقه و حقوق ایران

محمدحسین علیپور^۱

چکیده

امنیت نقش بی بدیلی در بقاء و استمرار نظام‌های سیاسی دارد و از این جهت جرائم علیه امنیت به طور قابل ملاحظه‌ای مورد اهتمام دولت‌ها است و برای این نوع از جرائم، مجازاتی شدیدتر از جرائم عادی قرار می‌هند. دولت‌ها بر اساس مبانی فکری و تحت تأثیر گفتمان و رویکرد امنیتی مختار، عناوینی را به عنوان جرم علیه امنیت جرم‌انگاری می‌کنند. در این دسته از جرائم علاوه بر در نظر گرفتن کیفر و مجازات شدیدتر، از اصل سرزمینی بودن نیز عدول می‌شود. برخلاف جرائم عادی، مقدمات جرم در این دسته از جرائم، خود جرم محسوب شده و قلمرو اکراه در کاهش مسئولیت‌های کیفری کاملاً مضیق تعریف می‌شود. هدف تحقیق حاضر بررسی شرایط تاریخی ایران بر اساس تطبیق بر رویکردها و گفتمان‌های امنیتی جهان به منظور احصاء تبارها و نسل‌های مطرح در جرائم علیه امنیت در ایران است. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی با رویکرد تبارشناسی است و از مطالعات کتابخانه‌ای بهره برده است. یافته‌ها نشان می‌دهد جرائم علیه امنیت در ایران تحت تأثیر رویکردها و گفتمان‌های امنیتی در جهان، تحولات و تطوراتی را شاهد بوده که در نتیجه آن ۵ نسل و جریان اصلی قابل احصاء می‌باشد. در این راستا تبار فقه اسلامی شیعه با رویکرد فقه نظام‌ساز که بر گفتمان امنیتی توحیدی و رویکرد امنیتی موسع استوار است، به عنوان تبار متناسب با مسائل و تهدیدهای اطلاعاتی امنیتی معاصر، به عنوان راقی‌ترین و کارآمدترین تبار تبیین گردید.

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی، گفتمان امنیتی، جرایم علیه امنیت، فقه و حقوق، فقه نظام‌ساز



مقدمه

به تبع مفهوم امنیت که یکی از حیاتی ترین نیازهای جامعه بشری است، جرائم علیه امنیت نیز از مفاهیم حقوقی است که از گذشته تا کنون اهمیت خود را حفظ نموده و مورد بحث و بررسی دولت ها قرار داشته است. سابقه توجه به جرائم علیه امنیت به سابقه مفهوم امنیت در دولت ها بازمی گردد و از دیرینه ترین چالش ها میان حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی است. (صادقی، اکبری، ۱۳۹۹: ۵۴) گرچه همه جرائم ممکن است تا حدودی امنیت را متزلزل نماید اما این تلقی مربوط به مفهوم عام جرائم امنیتی است لکن مفهوم خاص جرائم امنیتی که به طور اخص ارزش هایی که شاخصه امنیت به شمار می روند همچون منافع حیاتی و اساسی جامعه را نشانه رفته اند، هر جرمی را که به نوعی با هدف آسیب رساندن به موجودیت حکومت واقع شود را جرم علیه امنیت محسوب می کند. (یزدیان، ۱۳۹۵: ۶۰) به همین دلیل این دسته از جرائم در مقایسه با جرائم عادی از کیفر شدیدتری برخوردار است، مقدمات تدارک آن نیز جرم محسوب شده و در روند اثبات آنها از اصل سرزمینی بودن عدول می شود. به واسطه وابستگی میان امنیت و سیاست، اتصال معناداری بین تحولات تاریخی این دسته از جرائم با نظام های سیاسی (دولت ها) برقرار است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۸۶) نگاه و رویکرد دولت ها به امنیت است که مشخص می کند چه موضوعی را امنیتی تلقی کرده و چه مصادیقی را جرم علیه امنیت محسوب کند و برای آن چه سطحی از مجازات را (حدی یا تعزیری) قائل شود. این امر باعث شده جرائم امنیتی تحت تأثیر رویکرد دولت ها در بستر و اقتضائات تاریخی دچار تطوراتی شود که حاکی از نسل ها و جریان های متمایز باشد. پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی اقتضائات و شرایط تاریخی حاکم بر ایران از رهیافت تأثیر آن بر جرائم علیه امنیت، نسل های بوجود آمده در این زمینه را دسته بندی، مؤلفه های هر یک را تبیین، تمایزها را مشخص و متناسب ترین جریان با اقتضائات بوجود آمده در ایران اسلامی به واسطه تهدیدات امنیتی را بیان نماید. اقتضائات تاریخی مؤثر بر این جرائم، گفتمان ها و رویکردهای امنیتی در جهان است که مؤلفه های آن به عنوان شاخص های مفصل بندی تبارهای جرائم علیه امنیت مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

امنیت و جرائم علیه آن

آنچه در کاربردهای مختلف از واژه امنیت در خور توجه است، شباهت معانی لغوی این واژه در زبان‌های مختلف است که حکایت از وجود مدلول نسبتاً مشابهی در برگرفته‌ایمن بودن، در امان بودن، آرامش و اطمینان داشتن، خوف و تهدید نداشتن و ... در نزد عرف و مردم دارد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۰) در مقام تعریف اصطلاحی امنیت به نبود تهدیدات نسبت به ارزش‌های کمیاب اشاره دارد و رهایی از تهدیدها مسئله اصلی امنیت محسوب می‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳) همچنین تعاریف جدیدتر، امنیت را به وضعیتی اطلاق می‌کند که در آن توان و امکان پیشبرد اهداف، ارزش‌ها و خواست‌ها وجود داشته باشد. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۱۹) بر اساس تعریف امنیت که اشاره به اهداف و ارزش‌های حیاتی جامعه دارد و حاکی از جایگاه ویژه آن در نظام اجتماعی است، جرم امنیتی یا جرائم علیه امنیت توسط قانون‌گذار برای بیان آن دسته از جرائمی که مستقیماً منافع و مصالح ملی، تمامیت ملی، تمامیت ارضی و موقعیت سیاسی حکومت را در داخل و یا خارج کشور به مخاطره می‌اندازد، مورد استعمال قرار گرفته است (ولیدی، ۱۳۸۴: ۳). این نوع جرائم در اکثر موارد به صورت جمعی و نظام‌مند و با تبانی، تحریک و مساعدت قدرت‌های بیگانه و دول خارجی به منظور برهم زدن منافع ملی، امنیت، استقلال و تمامیت ارضی یک کشور و ضديت با سران حکومت و براندازی نظام حاکم واقع می‌شود. (سالاری‌شهربابکی، ۱۳۸۷: ۴۲) جرائم مذکور در صورتی که در قلمرو حاکمیت صورت پذیرد جرائم بر ضد امنیت داخلی و چنان چه در خارج از قلمرو حکومت و با توسل به قدرت‌های خارجی انجام پذیرد جرائم ضد امنیت خارجی محسوب می‌شود. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۵)

در مقابل در اکثر کشورهای شرقی، منظور از امنیت ملی در مرحله نخست، حفاظت از شیوه پذیرفته شده زندگی مردم است که با نیازها و آرمان‌های نظام سیاسی سازگار می‌باشد و پس از آن فارغ بودن از تهاجم یا فشار خارجی، براندازی داخلی و زوال ارزش‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد. (نصرتی، ۱۳۸۸: ۳۱) لذا در این کشورها جرم علیه امنیت، موسع تر از تعاریف گذشته بیان می‌شود.

در این راستا تعریفی که از جامعیت بیشتری برخوردار باشد، تعریف جرائم علیه امنیت به آن دسته از جرائمی است که موضوع، انگیزه یا هدف از ارتکاب آن ایجاد تزلزل در نظام‌های اجتماعی^۱ یک کشور باشد (اباذری فومشی، ۱۳۸۷: ۲۹۹) اعم از اینکه متکی به قدرت‌های خارجی باشد یا نباشد، و نقطه هدف آن نظام سیاسی باشد یا سایر نظام‌های اجتماعی.

تمایز حقوقی برخورد با جرم امنیتی و جرم عادی

از آنجایی که این دسته از جرائم به طور مستقیم منافع و مصالح اساسی جامعه را به مخاطره می‌اندازد، در مقایسه با جرائم عادی، نه تنها دارای کیفر شدیدتری است بلکه روند کشف و رسیدگی آن با جرائم عادی تفاوت دارد.

با وجود تمام تفاوت‌ها بین مکاتب مختلف امنیتی، آنگاه که فعل یا ترک فعلی به عنوان جرم امنیتی جرم‌انگاری شود، برخورد با آن دارای ویژگی‌های مشترکی خواهد شد. این ویژگی‌ها در مواجهه با جرم امنیتی، به سبب شدت و حدت آثار و تبعات جرم امنیتی است و خود حاکی از موضوعات اولویت‌دار و دارای اهمیت از سوی حکومت است. چرا که حکومت‌ها جرائمی را امنیتی محسوب می‌کنند که معتقدند در صورت وقوع، ضربات هولناکی به شاکله نظام آنها وارد خواهد کرد. بخشی از این تفاوت‌ها عبارت است از:

۱. عدول از اصل سرزمینی بودن: قوانین کیفری هر کشور محدود به قلمرو همان سرزمین است ولی این امر در زمینه جرائم امنیتی به لحاظ میزان مخاطرات ناشی از این جرائم نادیده انگاشته می‌شود. براین اساس، بنابر ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، هر ایرانی یا غیر ایرانی که علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.

۲. جرم تلقی شدن اعمال مقدماتی: اصل بر این است که اعمال مقدماتی جرم نبوده و قابل مجازات نیست در صورتی که این اصل در جرائم امنیتی به دلیل شدت و گستره خطر این جرائم

^۱ این تعریف بر دسته‌بندی مختار از نظام‌های اجتماعی استوار است که نظام سیاسی را یکی از ۵ کلان‌نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد. (علیپور، ۱۳۹۹: ۱۲۲)

لحاظ نشده است. چنان‌که در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵)، مقنن برای مرتکبین جرائمی چون تبانی گروهی بر ضد امنیت کشور در داخل یا خارج و یا فراهم نمودن وسایل ارتکاب آن مجازات در نظر گرفته است. همچنین قانون‌گذار در مواد ۵۱۵ و ۵۱۶، صرف داشتن سوء قصد به جان رهبر یا هر یک از رؤسای قوای سه‌گانه یا مراجع بزرگ تقلید یا رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران را جرم و مرتکب آن را مستلزم مجازات دانسته است.

۳. تضییق قلمرو اکراه: با نظر بر این که یکی از شرایط تحقق اکراه جهت رفع مسئولیت کیفری آن است که خطر ناشی از امتناع مکرر شدیدتر از موضوع اکراه باشد، در جرائم علیه امنیت کشور به لحاظ اهمیت موضوع و شدت مخاطره و گستره این نوع از جرائم، قلمرو تحقق اکراه به منظور رفع تحقق مسئولیت کیفری نسبت به جرائم عادی محدودتر است در این راستا مطابق با ماده ۱۲۰ و تبصره ۱ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی، در عنصر روانی این جرائم، ادعای یکی از موانع مسئولیت کیفری همچون اکراه در زمان ارتکاب جرم، مسقط حد نیست.

۴. تشدید کیفر: از اعصار گذشته تا کنون در تمام نظام‌های حقوقی به دلیل شدت و گستره مخاطره در جرائم علیه امنیت، قانون‌گذار برای این نوع جرائم نسبت به سایر جرائم کیفر شدیدتری در نظر گرفته است. به طوری که حتی کشورهایی که مخالف مجازات اعدام هستند و آن را از کیفرهای متداول نظام حقوقی خود حذف نموده‌اند تا به امروز در خصوص جرائم علیه امنیت از این کیفر چشم‌پوشی ننموده‌اند. (سالاری‌شهریابی: ۴۸-۴۵).

گفتمان‌های مطرح در سیر تاریخی مفهوم امنیت

بنابر تعاریف موجود، فقدان تهدید، یا به حداقل رساندن آنها عنصر اساسی تعریف رایج از امنیت است. با بررسی وجه تمایزهای اصلی تعاریف از امنیت و با توجه به جایگاه عنصر تهدید در تعاریف ارائه شده، در مجموع می‌توان دو گفتمان مرجع در این حوزه را تحت عنوان گفتمان سلبی امنیت^۱ و گفتمان ایجابی امنیت^۲ بیان نمود که هر یک از آنها بیانگر تلقی متفاوتی از

1. Negative Security Discourse

2. Positive Security Discourse

امنیت است. در مسیر تحولی مفهوم امنیت، اولین گفتمان مطرح شده، گفتمان سلبی است چرا که در اولین و ضروری ترین برداشت، امنیت با صیانت نفس پیوند ناگسستنی دارد. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۱۹) اما در ادامه، با توسعه مفهوم امنیت از سطح صیانت نفس به فراهم شدن محیط رضایت مندی همه جانبه، گفتمان ایجابی امنیت نیز مطرح گردید. تغییر زوایه دید این دو گفتمان به امنیت، باعث تفاوت توصیف هر یک، از «وضعیت امن» شده است. گفتمان ایجابی، امنیت را پایدارتر و گسترده تر از آنچه رویکرد سلبی می بیند، توصیف می کند. در گفتمان سلبی که سنت گرایان (با محوریت قدرت نظامی) و فراستانی ها (با محوریت قدرت چند بعدی) معتقد و مجری آن هستند، وضعیت امن را وضعیتی می دانند که یک کشور از سوی کشورهای دیگر در معرض تهدید نباشد در حالی که در گفتمان ایجابی نبود تهدید صرفاً شرط لازم ایجاد امنیت است و لزوماً شرط کافی محسوب نمی شود بلکه این رضایت مندی و «تحقق اهداف و خواسته ها» است که به امنیت ثبات می بخشد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۱۹) لذا در گفتمان ایجابی، امنیت با رضایت مندی سنجیده می شود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۸۸). گسترش نظارت و بازرسی بین المللی در تولید تسلیحات نظامی و توسعه جرائم علیه امنیت به عرصه های اقتصادی و فرهنگی، متأثر از این گفتمان و به منظور کاهش شکاف بین امنیت مردم و امنیت دولت است. (آردی مک کین لای، ۱۳۸۰: ۲۴ و ۲۵)

اساس بوجود آمدن گفتمان های جدید در حوزه امنیت، در ناکارآمدی گفتمان های سابق در تحلیل وقایع و تهدیدات امنیتی است. مهمترین مؤید بر ناکارآمدی گفتمان سلبی، فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ بود که بر همین اساس بنیاد اصلی گفتمان ایجابی، بر طرح انتقاد نسبت به پوشش ندادن به کلیه پدیده های امنیتی در جوامع معاصر و مدرن بنا شد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۶) فروپاشی شوروی نشان داد که صرف تمرکز بر کاهش تهدید و تقویت قدرت نظامی نمی تواند تأمین کننده امنیت و تضمین کننده ثبات حاکمیت و نظام های اجتماعی آن باشد و بر این اساس اواخر دهه ۹۰ میلادی را می توانیم سرآغاز شکل گیری گفتمان ایجابی امنیت بدانیم. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۴۴)

گرچه گفتمان ایجابی، رهیافتی جامع نگرانه تر از گفتمان سلبی به مفهوم امنیت داشته و امنیت با ثبات تر و با دوام تری را توصیف کرده است ولی در عمل اشکالی که به گفتمان سلبی وارد کرده و شاکله کلی نظریه خود را بر آن انتقادات استوار ساخته است - یعنی «ناکارآمدی در پوشش دادن

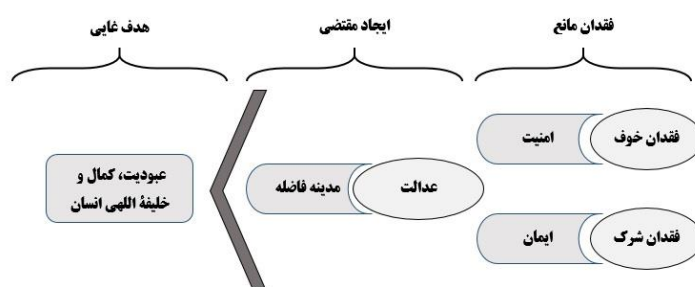
به کلیه پدیده‌های امنیتی در جوامع معاصر و مدرن»- به این گفتمان نیز وارد است. (افتخاری: ۱۳۹۱، ص ۸۶) اتفاقات ۱۱ سپتامبر، جنگ افغانستان، جنگ عراق، جنگ سوریه و در نهایت جنگ روسیه و اوکراین نمونه‌هایی از ناکارآمدی گفتمان ایجابی در ایجاد امنیت است و همین امر ضرورت تبیین گفتمانی جدید در حیطه امنیت را اقتضا می‌کند که می‌توان از آن تحت عنوان گفتمان توحیدی تعبیر کرد.

در گفتمان توحیدی، علاوه بر «فقدان تهدید» و «تحقق اهداف و خواسته‌های بشری»، عنصر «اطمینان» نیز محور توصیف وضعیت امن، قرار می‌گیرد. (افتخاری: ۱۳۹۳: ۱۰۱) در این گفتمان، الگوی تحقق اطمینان، در حیطه «فقدان تهدید» ناظر به «نفی خوف» و در حیطه «پیشبرد اهداف و ارزش‌ها» ناظر به «عدالت» ترسیم می‌شود. لذا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱ (سوره نور / آیه ۵۵). نزدیک‌ترین واژه در این آیه به اطمینان، تمکین است و دقیقاً معنای مورد نظر از اطمینان در تحقق امنیت را می‌رساند. تمکین هر چیزی بر قرار کردن آن در مکان است و این کنایه است از ثبات آن چیز، و زوال و اضطراب و تزلزل‌ناپذیری آن، به طوری که اگر اثری داشته باشد هیچ مانعی جلوی تاثیر آن را نگیرد. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۵: ۱۵۴). بر این اساس ایجاد حالت امنیت مطلوب، نیازمند دو الزام شامل رفع مانع (نفی خوف) و ایجاد مقتضی (ایجاد عدالت) است و نبود هر یک از این دو الزام به معنای عدم تحقق گفتمان توحیدی امنیت است همانطور که در آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره حدید/آیه ۲۵) فلسفه ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی و مهمترین مقتضی خلیفه الهی انسان را قسط و عدل بیان می‌کند. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ۴۶)

در این گفتمان بر خلاف گفتمان سلبی عرصه تهدیدهای امنیتی صرفاً تهدیدهای سخت‌افزاری را دربرنگرفته و تهدیدهای فکری، فرهنگی، اقتصادی و ... را نیز شامل می‌شود. همچنین برخلاف

۱. «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده کرده که شما را در این سرزمین جانشین دیگران کند، آن چنان که اسلاف و گذشتگان آنان را جانشین کرد، و نیز دینشان را آن دینی که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسی که داشتند امنیت روزیشان فرماید تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نکنند».

گفتمان ایجابی خود را محدود به تهدیدهای نرم‌افزاری نمی‌کند لذا پرداخت به ابعاد سخت‌افزاری در محور «نفی خوف» و پرداخت به ابعاد نرم‌افزاری در محور «عدالت» مورد توجه قرار می‌گیرد. در این گفتمان، مفهوم عام و جهان شمول امنیت مد نظر است و محدود به مرزی خاص، یا حتی حوزه‌ای خاص نمی‌شود، به طوری که شامل امنیت فیزیکی، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی و ... نیز می‌شود (علیپور، ۱۳۹۴: ۳۱) به این طریق اشکال «ناکارآمدی در پوشش دادن به کلیه پدیده‌های امنیتی» (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۶) که باعث کنار گذاشتن دو گفتمان سابق از عرصه علمی شده، بر طرف می‌شود. نسبت مؤلفه‌های اساسی گفتمان توحیدی را می‌توان در تصویر زیر مشاهده کرد.



رویکرد های امنیت در سیر تحول عرصه های امنیت

گفتمان‌های امنیت و رویکردهای امنیت هر دو مبتنی بر نگرش کلی به مفهوم امنیت شکل گرفته‌اند با این تفاوت که گفتمان‌های امنیت «شرایط تحقق وضعیت امن» را ملاک قرار می‌دهد اما رویکردهای امنیت «عرصه‌های امنیتی» را ملاک شکل‌گیری قرار می‌دهد. البته در بررسی سیر تطور تاریخی مفهوم امنیت تقریباً همزمانی بین رویکردهای امنیت و گفتمان‌های امنیت را شاهد هستیم ولی باید به تفاوت این دو ملاک در دسته‌بندی تبارها توجه داشته باشیم. بر اساس ملاک عرصه‌های امنیتی، رویکردهای ذیل را می‌توان برشمرد:

رویکرد تقلیل‌گرایانه

تعریف کلاسیک از امنیت ملی، آن را رهایی از اجبار، تهاجم، مداخله و تهدید خارجی می‌داند و امنیت را مادی و سرزمین‌محور تعریف می‌کند و با رویکردی مضیق و سنتی، تعریف

امنیت را به حوزه‌های سخت نظامی و اقتصادی محدود می‌کند. (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۴۶) نگاه غالب در این رویکرد، تهدیدمحور و ناظر به تهدیدات خارجی و دفاعی است و تمرکز بر دشمن و تهدید خارجی دارد.

رویکرد معتدل میانه

در این رویکرد تهدیدات معنایی و فرهنگی خارجی نیز به عرصه تهدیدات امنیتی وارد شده و حفظ و تقویت و استمرار ارزش‌ها نیز در تضمین بقای نظام سیاسی مؤثر واقع می‌شود. این رویکرد هم همچنان تهدیدمحور و بیشتر ناظر به عوامل خارجی است گرچه عرصه‌های آنرا از عرصه دفاعی و نظامی گسترش داده و به عرصه‌های معنایی و فرهنگی توسعه بخشیده است. در این رویکرد دولت مردان، حفظ، تقویت و استمرار ارزش‌ها و هنجارهای بومی را در تضمین امنیت و بقای ملت و نظام سیاسی مؤثر می‌دانند و هر آنچه که موجب تضعیف یا تغییر این ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی شیوه زندگی بومی شود، تهدید علیه امنیت ملی به حساب می‌آیند. (میرمحمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۰) رویکرد تقلیل‌گرایانه و رویکرد معتدل تا قبل از قرن بیستم رویکرد حاکم بر ادبیات امنیتی جهان بوده است.

رویکرد موسع

در این رویکرد امنیت به معنای رهایی از تمام تهدیدهای داخلی و خارجی است و صرفاً محدود به تهدیدات خارجی نمی‌باشد و اضافه بر تهدیدات دفاعی نظامی و استمرار ارزش‌ها و هنجار، تأمین رفاه اولیه را نیز در حیطه امنیت مورد بررسی قرار می‌دهد. این رویکرد بعد از قرن بیستم با توسعه‌ای که در تهدیدهای امنیتی در جهان به واسطه مدرنیته بوجود آمد، ایجاد گردید. در رویکرد موسع، امنیت ملی به معنای رهایی از تهدید خارجی و داخلی علیه نظام سیاسی و شهروندان، استمرار فرهنگ، مذهب و ارزش‌های بومی و تأمین رفاه و سعادت مادی شهروندان تعریف می‌شود. (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۴۶ و ۴۷)

جریانات امنیتی مؤثر بر جرائم علیه امنیت

با توجه به مؤلفه های مطرح شده در تبیین مفاهیم مرتبط با جرائم علیه امنیت و نظر به همزمانی گفتمان های امنیت و رویکردهای امنیت، می توان چهار خوانش کلان را در تعریف مصادیق جرائم علیه امنیت بیان کرد که در تبارشناسی این حوزه نقش کلیدی دارد.

جریان	مؤلفه های گفتمانی	عرصه های موضوعی	شاخص تأمین امنیت	بازه زمانی
تقلیل گرایانه سلبی	○ اصلت به بقاء نظام سیاسی ○ هدفگذاری دفع ۱ تهدیدکننده ها ○ پارادایم سیاسی	○ تهدیدهای خارجی ○ دفاعی نظامی و سیاسی (حدود و اراضی)	نبود تهدید علیه حاکمیت سیاسی	قرن ۱۹ به قبل (قبل از بروز و نمودهای مدرنیته در نظام سیاسی امنیتی)
معتدل سلبی	○ اصلت به بقاء نظام سیاسی ○ هدفگذاری دفع تهدیدکننده ها ○ پارادایم سیاسی	○ تهدید های خارجی ○ دفاعی نظامی و سیاسی (حدود و اراضی) ○ فرهنگی و معنایی (ارزش ها و هنجارهای بومی)	نبود تهدید علیه حاکمیت سیاسی	قرن ۱۹
موسع ايجابي	○ در کنار هم دیدن بقاء نظام سیاسی و شهروندان ○ هدفگذاری رفع تهدید کننده ها و موانع	○ تهدید های داخلی و خارجی ○ دفاعی نظامی و سیاسی (حدود و اراضی)	رضایت مندی مردم ۲ از حاکمیت سیاسی	اواخر قرن ۲۰ به بعد

۱ با توجه به اینکه مواجهه امری فراتر از مقابله است، دو نوع مواجهه را به صورت کلی می توان در نظر گرفت: ۱. مواجهه با تهدید پس از بالفعل شدن آن (مواجهه دفعی) ۲. مواجهه با تهدید قبل از بالفعل شدن آن (مواجهه رفعی) (علیپور، ۱۳۹۹: ۲۰ و ۲۱)

۲ در این رویکرد گرچه به توجه به مردم بیش از رویکرد های قبلی است ولی باز هم حکومت اصلت داشته و مردم جدای از حکومت در نظر گرفته می شوند لذا در درون این رویکرد باز هم اصلتی برای حکومت وجود دارد که رضایت مندی مردم بهترین راه برای تأمین امنیت آن می باشد.

		○فرهنگی و معنایی (ارزش ها و هنجارهای بومی) ○اقتصادی (تأمین رفاه اولیه)	سعادت مادی (طریقت معنویت برای تحقق سعادت مادی) ○پارادایم فرهنگی و اقتصادی	
بعد از انقلاب اسلامی	اطمئنان در نظام های اجتماعی	○تهدید های داخلی و خارجی (وطن توحیدی) ○دفاعی نظامی و سیاسی، اقتصادی (رفاه اولیه)، فرهنگی (ارزش ها و هنجارها)، تربیتی (تعالی معنوی)، حقوقی قضایی (عدالت) ○مصلح خمسه (عقل، دین، نسل، نفس، مال)	○اصالت به نظام اجتماعی (مردم و حکومت جزء نظام اجتماعی) ○هدفگذاری رفع تهدیدکنندها و موانع سعادت معنوی (طریقت مادیات برای تحقق معنویت) ○ایجاد مقتضی سعادت مادی و معنوی	موسّع توحیدی

تحلیل جریانات حقوقی جرائم علیه امنیت در ایران

روش شناسی تحقیق (تبارشناسی)

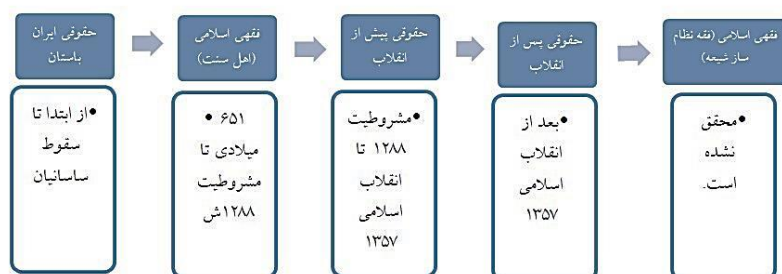
تبارشناسی از جمله روش های تحقیق کیفی و ذیل گرایش تحقیق شرح حال^۱ است که از رویکردهای میان رشته ای برخوردار بوده و وجه مزیت آن تحصیل گفتمان جدید در پی بررسی های تاریخی به تناسب اقتضائات بستر تاریخی معاصر است. این روش اولین بار توسط فیلسوف آلمانی فردریش نیچه مورد استفاده قرار گرفت (دی جورجیو، ۲۰۱۳) و تحت تأثیر او،

1. narrative

فیلسوف پست مدرن فرانسوی، میشل فوکو نظریات جدیدی را در حوزه‌های علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی و تاریخ با همان رویکرد مطرح نمود. مزیت روش تبارشناسی در مقایسه با دیرینه‌شناسی این است که محقق را به گفتمان جدیدی در خلال بررسی یک موضوع در بستر زمان و مکان آن می‌رساند (درولت، ۲۰۱۷) و دگرگونی‌های به وجود آمده در نظام‌های گفتمانی را به خوبی نشان می‌دهد و زمینه طرح گفتمان جدید را فراهم می‌نماید. (اکرمی، اژدریان شاد، ۱۳۹۱: ۵۴) لذا رویکرد تبارشناسی را می‌توان مجموعه‌ای از رویکردهای فراترکیبی تاریخی دانست که از ورای بهم پیوستگی‌ها و گسستگی‌هایی که طی نسل‌های مختلف در بستر زمان و مکان تاریخ مطرح شده‌اند، محقق را نه تنها به طرف ریشه‌یابی مفاهیم سوق می‌دهند، بلکه به او کمک می‌کند تا گفتمان جدیدی را در موضوع مورد نظر مطرح کند. (بامداد، ۱۳۹۷: ۷۷) به منظور استفاده از این روش در پژوهش حاضر از آنجایی که جرائم علیه امنیت اتصال معناداری با رهیافت‌های امنیتی دارد، مؤلفه‌های گفتمانی امنیت، عرصه‌های امنیت و شاخص‌های تأمین امنیت به عنوان ملاک‌های مفصل‌بندی تبارهای فقهی حقوقی مورد توجه قرار گرفته و با تطبیق مواد قانونی و مستندات فقهی بر گلوگاه‌های تاریخی فقه و حقوق ایران، تبارها و نسل‌های قابل احصاء ضمن بیان مختصات و ویژگی‌های هر تبار و مقایسه با تبارهای مشابه مطرح گردیده‌اند. با توجه به وجه مزیت روش تبارشناسی در ارائه گفتمان جدید، در نهایت گفتمان مطلوب در حوزه جرائم علیه امنیت در ایران به تناسب تهدیدهای امنیتی معاصر، بیان و شرح داده شده است.

تحلیل تبارهای فقهی حقوقی

تبارشناسی، همانطور که از ترجمه عنوان آن به نسل‌شناسی برمی‌آید، بررسی یک موضوع در بستر تاریخی مربوط به آن است. از آنجایی که موضوع مقاله حاضر، تبارهای فقهی حقوقی جرائم علیه امنیت در ایران است، جستجو در سیر تاریخی تکوین قوانین این حوزه در ایران می‌تواند در کشف تبارهای مختلف این حوزه یاری‌گر باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۵ تبار یا نسل اصلی در حوزه جرائم علیه امنیت در ایران وجود داشته که به طور تقریبی قابل تطبیق بر سیر تطور مفهوم امنیت در قالب گفتمان‌ها یا پارادایم‌های امنیت نیز می‌باشد و این تطبیق خود حاکی از تأثیرپذیری تبارهای فقهی حقوقی ایران از پارادایم‌های امنیتی جهان است.



الف) ایران پیش از اسلام

مقصود از این تبار، جریان حقوقی ایران باستان و تمام دولت‌های آن تا قبل از فتح ایران توسط اعراب مسلمان است. در این اعصار تاریخی گزاره‌های پراکنده و غیر منسجم حقوقی وجود داشته ولی علم حقوق به عنوان علمی مدون در اختیار حکمرانان قرار ندارد و به تبع موضوع جرائم علیه امنیت نیز بسط پیدا نکرده و به عنوان موضوعی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. (اختری، ۱۳۸۴: ۱۶۳) البته یکی از دلایل عدم بسط و تصریح عنوان جرائم علیه امنیت، بسیط بودن مفهوم امنیت و تهدیدهای امنیتی در این دوران است. به عبارتی دیگر در این دوران، امنیت به مفهوم سنتی و تقلیل گرایانه صرفاً به فقدان تهدید در مرزها و حفظ اراضی و بقاء حکومت وقت تفسیر شده و طبیعتاً تهدیدهای امنیتی نیز در همین گفتمان و رویکرد امنیتی معنادار بوده است لذا برای مقابله و دفع تهدیدهای امنیتی نیازی به بسط موضوع جرائم علیه امنیت وجود نداشته است. از سوی دیگر به دلیل وجود قالب حکمرانی پادشاه‌محور، تعیین مجازات علیه فردی که خطوط قرمز امنیتی حکومت را نقض کرده باشد نیازمند طی فرآیند علمی قانونی خاصی نبوده است. جرائم علیه امنیت در این دوره بر عناوینی از جمله دست به اسلحه بردن علیه حکومت، ارتباط با دشمن علیه حکومت، ارائه کمک به دشمن، پیوستن به دشمن، تسلیم کردن مناطق فتح شده به دشمن و ... اطلاق می‌گردد که در مفهوم محوری «خیانت به شاه» به عنوان پایه اصلی حکومت تفسیر می‌شود. در این موارد معمول بود که مقصر را به پایتخت آورده گوش‌ها یا بینی او را بریده و بعد از نشان دادن به مردم او را به ولایتی که محل خیانت بود برده و می‌کشتند. همچنین برای کیفر خیانت پیشگان و فراریان از جنگ قانون بر این بود که خیانت یک فرد موجب هلاکت همه خویشانش شود. یکی دیگر از مجازات‌های معمول در دوران ساسانیان و پس از آن در برخی از ادوار دیگر

شاهنشاهی ایران مجازات کور کردن بوده، که به خصوص در مورد شاهزادگانی اجرا می شده است که علم طغیان یا مخالفت با حکومت را بر می داشتند، و یا صرف ظن مخالفت آنها در آینده می رفته است. کور کردن معمولاً به وسیله کشیدن میل گداخته با ریختن روغن داغ به چشم محکومین انجام می گرفت. گاهی تمام مردم شهری که علیه شاه قیام کرده و یا تسلیم نشده بودند به امر او به تحمل چنین مجازات های دهشتباری محکوم می شدند که نمونه آن در رفتار آغا محمد خان قاجار با مردم کرمان و از حدقه در آوردن چشم بسیاری از آنها از نقاط تاریک تاریخ شاهنشاهی است. (پیرنیا، اقبال، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

تمام ازمینه تاریخی ساسانیان و ماقبل را در ایران با مسامحه می توانیم یک تبار حقوقی بنامیم که با تمام تفاوت ها و اختلاف روش ها در حکمرانی، از گفتمان و رویکرد امنیتی سنتی تقلیل گرایانه تبعیت کرده و مباحث حقوقی در آن مدون نبوده ولی با تصمیمات نسبتاً مشابهی از سوی پادشاه در قبال تهدید علیه موجودیت حکومت مواجه هستیم.

ب) فقه اسلامی اهل سنت

ایران بعد از حمله اعراب مسلمان و سرنگونی ساسانیان در سال ۶۵۱ میلادی معادل قرن اول هجری قمری، با عصر جدیدی از شکوفایی مفاهیم حقوقی و امنیتی مواجه شده است. در این دوران حاکمان اموی و عباسی با داعیه حاکمیت اسلام بر بلاد اسلامی حکمرانی می کردند (اختری، ۱۳۸۴: ۹۶) لذا در تلاش بودند که ادبیات فقه اسلامی را به عنوان علمی مدون و مصرح جهت اجرا در حکومت تدوین و تبویب نمایند. شیعه گرچه دست برتر را به لحاظ دقت های محتوایی و روش علمی در فقه بر اهل سنت داشت اما به دلیل قرار نگرفتن در مناصب حکومتی به واسطه غصب خلافت از حضرت علی علیه السلام، نیاز کمتری به تدوین آثار فقهی برای پاسخ به نیاز حاکمان می دید (طاهری، حکمی، ۱۳۹۵: ۶۴) لذا فقه اهل سنت پیشتاز در آماده سازی محتوا برای پاسخ به نیاز حاکمان اسلامی شد و از جمله اولین آثار مدون فقهی این دوران کتاب الخراج از ابویوسف یعقوب بن ابراهیم از شاگردان ابوحنیفه در قرن دوم قمری تدوین گردید که به نظام اقتصادی حکومت و بحث هایی در فقه سیاسی می پردازد. با تدوین این کتاب و پرداختن به موضوع فقه سیاسی، مباحثی مرتبط با حوزه جرائم علیه امنیت نیز به رشته تحریر در آمده و مقدمات حاکمیت ادبیات فقهی اسلامی با رویکرد های اهل سنت بر ایران فراهم گردید.

موضوعاتی از جمله بغی، محاربه و ... از جمله این ادبیات‌ها می‌باشند که در قرن‌های بعدی در کتبی همچون الاحکام السلطانیه در امتداد کتاب الخراج تدوین و مورد بررسی و مبنای عمل حاکمان اسلامی قرار گرفتند.

گرچه تمام حکومت‌های شکل گرفته از قرن اول هجری تا مشروطیت در ایران، از نگاه و مبنای واحدی برخوردار نبودند ولی نظام حقوقی ایشان تحت تأثیر تبار فقهی اهل سنت شکل گرفته و همانطور که توضیح آن خواهد گذشت حتی حکومت‌های شیعی همچون صفویه و حتی بخش‌هایی از نظام حقوقی ایران تا انقلاب اسلامی، تحت تأثیر آثار و تألیفات اهل سنت به خصوص در حوزه فقه سیاسی قرار داشتند. تحت تأثیر همین جریان در سال ۱۲۸۵ش تعبیر «کتب ضلال» به کار رفته است و در اصل بیستم این قانون، در ارتباط با آزادی مطبوعات و نشریات آمده است: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است.» (ابریشمی راد، ۱۳۹۴: ۶)

در این تبار انعطاف احکام برای حفظ حکومت و مقابله با تهدیدهای امنیتی علیه آن بسیار زیاد است. در نگاه اهل سنت حاکمیت موضوعیت داشته و هر فرد با هر روشی آنگاه که به حاکمیت رسید، باید تمام شرایط برای حفظ و ثبات حکومت وی فراهم شود. (شمس الدین، ۱۴۱۱ق: ۱۱۷) از این جهت نگاه اهل سنت به جریان‌ات امنیتی سنتی که مرجع امنیت را حکومت می‌دانند نزدیک است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) بر این اساس جرائم علیه امنیت به معنای جرائم علیه امنیت حکومت اسلامی و همچنین نظام‌های اجتماعی تعریف می‌شود و تعیین مصداق آن با حاکم شرع می‌باشد. در ضمن به دلیل جایگاه ویژه فرهنگ و ارزش‌های دینی، تخطی از تمام حدود نوعی جرم امنیتی تلقی شده و برخورد با آن ویژگی‌های برخورد با جرم امنیتی را کسب می‌کند در صورتی که به صورت سازماندهی شده و برای اخلال در نظام اجتماعی باشد که از جمله آن می‌توان به احکام مربوط به علنی کردن ارتداد، احکام مربوط به نشر کتب ضاله، مفاد قاعده نفی سبیل در معاهدات و ... اشاره نمود.

از جمله آثار و تبعات اصالت دادن به حاکمیت و مرجع امنیت قرار دادن آن، مقدم ساختن امنیت بر عدالت است. (شمس الدین، ۱۴۱۱ق: ۲۵۹ و ۲۶۰) این نکته در آثار اهل سنت به وضوح قابل مشاهده است که امنیت بر عدالت تقدم دارد لذا حتی اگر حاکم غیر عادل باشد، قیام علیه او

جایز نبوده و قیام کننده اهل بغی محسوب می‌شود و از جمله مقدمین علیه امنیت محسوب می‌گردد. (السعد التفتازانی، ۱۴۲۱ق: ۱۸۰ و ۱۸۱)

این تبار در گفتمان سلبی امنیت ولی با رویکرد معتدل میانه قرار دارد که امنیت را همچنان به فقدان تهدید تعریف می‌کند ولی عرصه‌های جرائم علیه امنیت را صرفاً ارض و حدود ندانسته و آنرا به عرصه‌های فرهنگی (از جمله ممنوعیت تشبه به کفار، ممنوعیت حفظ و نشر کتب ضاله، ممنوعیت شرب خمر و ...)، اقتصادی (از جمله ممنوعیت احتکار، ارتشاء و ...)، تعاملات بین‌المللی (قاعده نفی سیل) و ... نیز تسری داده است و در قالب سازماندهی شده به نام گروه‌های حربه جهت شناسایی و برخورد با آنها اقدام می‌نماید. (ماوردی، ۱۴۰۶ق: ۲۸۴) البته همچنان حکومت محور و مبنای تعریف تهدید امنیتی محسوب شده و جرمی علیه امنیت محسوب می‌گردد که بقاء حاکمیت را به خطر باندازد.

ج) ایران پیش از انقلاب اسلامی

این تبار در برهه تاریخی مشروطه تا وقوع انقلاب اسلامی ایران یعنی بین سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۵۷ شمسی را در بر می‌گیرد. مشروطه یکی از تلاش‌های شیعه برای تغییر نظام حکمرانی کشور و وارد نمودن احکام اسلامی شیعی در روند حکمرانی بود ولی به تمام اهداف خود نرسید لذا نتوانست نظام و تبار حقوقی جدیدی مبتنی بر فقه شیعی ایجاد کند اما به دلیل همزمانی این تحولات با تحولات حقوقی جهان و مخصوصاً نظام حقوقی فرانسه و تأثیرپذیری از آثار تولید شده در غرب و با توجه به پرداخت غربی‌ها به عنوانی مصرح به نام جرائم علیه امنیت که به واسطه تغییر گفتمان‌ها و رویکردها به امنیت صورت گرفت، در ایران نیز تحت تأثیر جریان غالب در جهان، اولاً عنوان جرائم علیه امنیت در آثار حقوقی ایران وارد شده و ثانیاً مواد قانونی آن تحت تأثیر گفتمان امنیتی سلبی و رویکرد تقلیل‌گرایانه در امنیت شکل گرفت. گرچه غرب در همین برهه زمانی به سمت گفتمان ایجابی امنیت و رویکرد موسع حرکت کرده بود لکن رجوع نظام حقوقی ایران به یک نسل قبل در نظام امنیتی حقوقی غرب صورت گرفت. در این تبار همچون تبار قبلی، همچنان جرائم علیه امنیت محسوب می‌شوند که بقاء حکومت را به خطر بیاندازد. لذا تفاوت این تبار با تبار قبلی را می‌توان در مصرح شدن عنوان جرائم علیه امنیت در مواد قانونی دانست. از مزیت‌های تبار فقه اهل سنت توسعه عناوین مجرمانه امنیتی به عرصه‌های فرهنگی همچون موضوع

نشر کتب ضاله، تشبه به کفار و ... بود که بخش عمده‌ای از این عناوین در این تبار حذف شده و نوعی عقب‌گرد در برخی مصادیق در حوزه فرهنگی را شاهد هستیم. چرا که در تبار اهل سنت برخی مصادیق فرهنگی نیز در حوزه جرائم علیه امنیت تعریف می‌شد^۱ و با گفتمان معتدل میانه‌مخوانی داشت ولی در تبار جدید این عقب‌گرد در رویکرد امنیتی حاصل شده و از رویکرد معتدل میانه به رویکرد تقلیل‌گرایانه گرایش پیدا کرده است. البته به دلیل تغییرات اجتماعی و توسعه گسل اعتقادی حاکمیت و مردم و افزایش تهدید علیه امنیت کشورها در داخل، نگاه از تهدیدهای صرفاً خارجی به تهدیدهای داخلی و خارجی سوق پیدا کرد و قانونگذار در فصل اول باب دوم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۱/۰۷، در مبحث اول قوانین ۶۰ تا ۶۸ به برخی از آنها از جمله اقدام مسلحانه، خصومت با دولت، زمینه‌چینی عداوت دشمنان خارجی، تسهیل ورود دشمنان به کشور، جاسوسی، فاش نمودن اسرار، انتشار نقشه‌های داخلی، مخفی نمودن جاسوسان، در اختیار قرار دادن اطلاعات برای کسی که صلاحیت ندارد و ... اشاره نموده است. همچنین، مقنن در مبحث دوم مواد ۶۹ تا ۷۹ به جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت پرداخته است و جرائمی نظیر تحریص به مسلح شدن اهالی مملکت بر ضد حکومت ملی؛ اغوا و تحریک اهالی به جنگ و قتال با یکدیگر؛ سوزاندن یا خراب نمودن عمدی مخزن اسلحه یا قورخانه یا کشتی یا ابنیه عمومی؛ تحریک نمودن غیر نظامی، نظامی را به عصیان یا عدم اجرای وظایف نظامی؛ اداره یا همکاری یا تحریک یا تشکیل جماعت اشراک مسلح به منظور تصرف، غارت املاک و اموال دولتی یا غیر دولتی و نیز، تحریص مردم به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت به واسطه نطق یا اوراق چاپی یا خطی از مصادیق جرائم علیه امنیت داخلی تلقی نموده است که همه حاکی از توسعه مفهومی جرائم علیه امنیت از منشأ خارجی به منشأ داخلی می‌باشد. البته به تأسی از گفتمان امنیتی سلبی، همچنان در این برهه، مرجع امنیت، سلطنت یا حکومت بوده (رحمت‌اللهی، ۱۳۹۴: ۱۱۹) و محوریت تعریف جرائم علیه امنیت را دارد لذا ضمن توسعه قلمرو جرائم به اقدامات مقدمین در داخل، هدف بودن سلطنت همچنان شرط جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت تعریف می‌شود لذا در قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۲۲ اقدامات مجرمانه را مشروط به هدف‌گذاری ضربه به سلطنت نظیر «تشکیل، اداره یا عضویت در

۱. تا جایی که نهادی به نام حسبه برای مقابله با تهدیدات فرهنگی ایجاد می‌شود.

گروه‌های معاند با سلطنت مشروطه ایران، تبلیغ برای هر یک از جرم‌های ضدیت با سلطنت ایران و یا مجرمین مذکور را جرائم علیه امنیت قلمداد نموده است. این مفهوم در ماده یک قانون مذکور به طور صریح اشاره شده و سپس در ماده سوم و سپس ماده ششم تفاوتی بین ریشه خارجی داشتن یا نداشتن اقدامات مذکور قائل نشده است که حاکی از نوعی تفاوت نسبت به تبارهای سنتی امنیتی است که صرفاً ریشه خارجی در تهدید را امنیتی محسوب می‌کردند.

در پایان دوره تاریخی این تبار به واسطه اهمیت پیدا کردن اسناد و مدارک در حفظ یا به خطر انداختن سلطنت، دایره جرایم علیه امنیت از سطح اقدام فیزیکی علیه حاکمیت یا همکاری با دشمنان به انتشار اسناد محرمانه نیز تسری یافته و مصداقی برای جرم امنیتی محسوب شده است. (ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ و قانون آئین‌نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۰۱)

بر این اساس تبار مذکور را طبق مؤلفه‌های مفصل‌بندی تبارهای جرائم علیه امنیت می‌توانیم دارای ویژگی‌های جریان معتدل سلبی بدانیم که قلمرو جرائم علیه امنیت را از منشأ خارجی به داخلی و خارجی توسعه داده ولی همچنان منافع حکومت یا سلطنت محور تعیین جرم امنیتی محسوب می‌شود.

د) ایران پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، با توجه به اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر اینکه «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد...» تلاش‌هایی در راستای تغییر قوانین جرائم علیه امنیت نیز صورت گرفت و با وجود تفسیرهای متفاوت از برخی از عناوین جرم امنیتی در فقه شیعه و اختلاف نظر بین فقها و حقوقدانان، عناوین جدیدی در قوانین موضوعه ایران وارد شد که مهمترین آنها شامل محاربه، بغی و افساد فی الارض است. اختلاف نظرها در تفسیر تا حدی است که برخی عنوان محاربه و افساد فی الارض را مترادف می‌دانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۴۵) و عده‌ای دیگر محاربه را مصداقی از افساد فی الارض تفسیر می‌کنند (یزدیان، ۱۳۸۶: ۲) و نسبت این دو را عموم و خصوص مطلق بیان می‌کنند (زراعت، ۱۳۸۱: ۱۱) که بر این اساس هر محاربه‌ای افساد فی الارض است اما هر

افسادى محاربه نيست (گلدوست جويبارى، ۱۳۶۸: ۳۵) و برخى ديگر همچون حضرت امام خمينى رحمه الله عليه محارب و مفسد را دو موضوع متفاوت تلقى مى کنند که تشخيص آن بر عهده محاکم صالحه است. (امام خمينى رحمه الله عليه، ۱۴۲۲ق، جلد ۳: ۱۵). طبيعى است که شروع تبار جديد فقهى حقوقى نيازمند بستر تاريخى براى رفع اين ابهامات باشد لذا اين ابهام با گذشت بيش از سه دهه در سال ۱۳۹۲ با تصويب قانون مجازات اسلامى تا حدود زيادى برطرف شد. قانون گذار در فصل نهم قانون مجازات تحت عنوان بغي و افساد فى الارض و بخصوص ماده ۲۸۳ ادعاى اعم بودن افساد فى الارض را تقويت کرده و در اين ماده گفته است «هر کس بطور گسترده، مرتکب جنايت عليه تماميت جسمانى افراد، جرائم عليه امنيت داخلى يا خارجى، نشر اکاذيب اخلال در نظام اقتصادى کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمى و يا ميكروبی و خطرناک يا دایر کردن مراکز فساد و فحشا يا معاونت در آنها گردد، به گونه ای که موجب اخلال شديد در نظم عمومى کشور، ناامنى يا ورود خسارت عمده به تماميت جسمانى افراد يا اموال عمومى يا خصوصى، يا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسيع گردد مفسد فى الارض محسوب و به اعدام محکوم مى گردد» در اين ماده به وضوح نمايان است که هيچ گونه تشهير و تجريد سلاحى صورت نگرفته است، اما چون اعمال فوق الذکر در حد وسيع موجب ناامنى ضرر و شيوع فساد گرديده شخص به عنوان مفسد فى الارض و نه محارب به اعدام محکوم مى شود. نکته ديگر قابل تحليل از اين ماده، توسعه مفهومی جرائم عليه امنيت است. گرچه توسعه قلمرو داخلى و خارجى در تبار پيش از انقلاب اسلامى نيز صورت گرفته بود اما به لحاظ موضوعى توسعه مفهومی از عرصه سياسى به اقتصادى و فرهنگى و همچنين به لحاظ مرجع امنيت تغيير آن از محوريت حکومت و نظام سياسى به مردم و نظام اجتماعى (نظم عمومى) از جوه مزيت اين تبار در مقايسه مؤلفه هاى مفصل بندى تبارها محسوب مى شود.

در استمرار تلاش در اين تبار براى ورود مفاهيم فقهى به قوانين موضوعه، محاربه نيز به عنوان جرم امنيتى مستقل با تعريف «كشيدن سلاح به قصد جان، مال يا ناموس مردم، ارباب آنها، به نحوى که موجب ناامنى در محيط گردد» مبتنى بر تعاريف اين عنوان در فقه شيعه (خويى، جلد ۱: ۳۸۵) (جمال الدين حلى، ۱۴۱۰ق: ۴۱۸) (شهيد ثانى، ۱۴۱۰ق: ۲۹۰) (شهيد اول، ۱۴۱۰ق: ۲۶۳) در قانون مجازات اسلامى سال ۱۳۹۲ مصوب گرديد. پروا واضح است که در هر دو عنوان محاربه و

افساد فی الارض، بیش از حکومت، مردم به عنوان مرجع امنیت مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته‌اند و با این وجود در حیطه جرائم علیه امنیت قرار گرفته‌اند. سپس قوانینی که طبق تبارهای گذشته نیز جزء جرائم علیه امنیت قرار می‌گرفته در این تبار وارد قوانین موضوعه شده لکن عنوان آن از فقه شیعه تحت عنوان بغی دریافت می‌شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «قیام مسلحانه علیه حکومت و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» را در ردیف جرایم حدی و تحت عنوان «بغی» جرم‌انگاری نموده و طی مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ برای آن مجازات اعدام و تحت شرایطی حبس تعزیری پیش‌بینی کرده است.

بی‌شک بعد از افولی که در تبار حقوقی ایران قبل از انقلاب اسلامی نسبت به تبار فقهی اهل سنت در مؤلفه عرصه‌های امنیتی، صورت گرفت و موضوعات فرهنگی در حیطه جرائم علیه امنیت تعریف نشدند و تأکید تبار حقوقی بعد از انقلاب اسلامی بر تنظیم قوانین بر اساس مبانی فقهی، قابل پیش‌بینی بود که چنین توسعه‌ای در عناوین جرائم علیه امنیت صورت گیرد اما باید توجه داشت که به دلیل عدم آماد بودن نظام حقوقی جدید مبتنی بر مبانی فقهی شیعی، تبار حقوق ایران پس از انقلاب تأثیراتی از حقوق فرانسه و برخی عناوین و دستاوردهای فقه اهل سنت پذیرفت که در نتیجه آن گرچه ایجاد تبار و نسلی متمایز مسلم و واضح است اما ادعای تأسیس نظام حقوقی مستقل مبتنی بر فقه شیعه ادعایی خلاف واقع است. در هر صورت تلاش صورت گرفته در این تبار برای تطابق اجمالی با گفتمان ایجابی امنیت و رویکرد معتدل میانه و پاسخ‌گویی به نیازهای حقوقی حکومت اسلامی در مواجهه با تهدیدات امنیتی عصر جدید تطور جدی در این تبار نسبت به تبارهای گذشته ایجاد کرده است. در این راستا علاوه بر قوانین مشترک با تبارهای گذشته در حوزه جرائم علیه امنیت همچون جرم امنیتی نظامیان در فصل دوم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، برخی قوانین عرصه فرهنگی همچون سبّ النبی در ماده ۵۱۳ (یزدیان، ۱۳۸۶: ۶۱) و اهانت به مقدسات مذهبی در فصل دوم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در حیطه جرائم علیه امنیت تعریف شده است.

مسیر گفتمان ایجابی و رویکرد موسع در این تبار با مناسبت قرار دادن «اخلال شدید در نظم عمومی کشور» در ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی، مصادیق جرائم علیه امنیت در قوانین متفرقه

کیفری را توسعه داده است. ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه مصوب ۱۳۵۳، ماده ۲ قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸، مواد ۱۷ به بعد قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، و ماده ۳۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از این دسته اند. (هاشمیان ۱۴۰۰: ۱۰۰۷)

هـ) فقه اسلامی شیعه

فقه شیعه گرچه دارای مبانی متقن، دقیق و غنی به منظور اداره جامعه بوده و محتوای کافی در حوزه‌های مختلف مورد نیاز حاکمیت را دارا است ولی در عصور مختلف تاریخ به دلیل در دست نداشتن حکومت، کمتر منابع مسنجم و مدونی در اداره جامعه و از آن جمله حوزه جرائم علیه امنیت تولید کرده است. گرچه در آثار فقهای متقدم، موضوعات فقه سیاسی در خلال سایر ابواب فقهی و در حاشیه مطرح گردیده اما در میان فقهای متاخر و تحت تأثیر اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه، با استفاده از روش اجتهاد یا فقه نظام ساز تولید نظامات اجتماعی مبتنی بر مبانی و احکام شرعی آغاز گردید. روشی بدیع و منسجم که حاکمیت را مخاطب خطابات شرعی قرار داده و نسبت به بایدها و نبایدهای آن به عنوان یک شخصیت حقوقی حکم صادر می‌کند (سعدی، ۱۳۹۵: ۴۷) و بر نتیجه این طراحی می‌توان نام «مکتب» قرار داد. (صدر، ۱۴۲۴ق: ۴۱۷) مسیری که یک نمونه کامل آنرا در کتاب «اقتصادنا» از مرحوم شهید محمدباقر صدر به عنوان مکتب اقتصادی اسلام می‌توان مشاهده کرد.

گرچه مکتب حقوقی فقه شیعه در حوزه جرائم علیه امنیت در منبعی مدون عرضه نشده اما می‌توان فقه شیعی در حوزه جرائم علیه امنیت را دارای تباری مستقل از تمام تبارهای گذشته دانست که ریشه در نگاه خاص فقه به نظام‌های اجتماعی به طور عام و حکومت به طور خاص دارد. در فقه شیعی فلسفه وجود حکومت حفظ مصالح خمس است (حلی، ۱۴۰۳ق: ۷) و این به این معنا است که حکومت اصالت نداشته بلکه طریقت به منظور حفظ مصالح خمس دارد. (عاملی، ۱۴۰۰ق: ۳۸) البته این طریقت به معنای کم اهمیت شدن حکومت نیست بلکه به معنای نسبت یابی صحیح حکومت در نسبت با سایر نظام‌های اجتماعی است. در این رویکرد حکومت

مرجع امنیت^۱ نیست بلکه این نظام اجتماعی (مردم) است که به عنوان مرجع امنیت شناخته می‌شود. فلذا تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود که مرجع امنیت یعنی نظام اجتماعی را به مخاطره جدی بیندازد و اخلال در آن ایجاد کند. در این نگاه نظام اجتماعی صرفاً نظام سیاسی نیست بلکه نظام تربیتی، نظام فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام قضایی و ... نیز نظام‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که هر نوع خلل گسترده در آنها تهدیدی امنیتی و چنین جرمی جرم علیه امنیت محسوب می‌گردد. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۳) همانطور که در برخی از جرائم فرهنگی همچون سب النبی، انتشار کتب ضاله، اعلام ارتداد و ... شدیدترین مجازات‌ها را در فقه شاهد هستیم که جز با نگاه امنیتی به این جرائم، تناسب جرم و مجازات قابل تفسیر نیست. این رویکرد در نهان احکام فقهی شیعه حتی در اعصاری که هیچ نقشی در حاکمیت نداشته‌اند نهفته است تا با تشکیل حکومت اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه نیاز به سازمان‌دهی جدی‌تر به مباحث عرصه جرائم علیه امنیت بیش از پیش حس گردید. باید اعتراف کرد که تا کنون شاکله جرائم علیه امنیت با رویکرد فقه نظام‌ساز به طور کامل ترسیم نگردیده است ولی می‌توان مختصات ذیل را در این تبار بیان نمود.

تبار فقهی شیعی با توجه به نگاه خاص و ویژه به امنیت و نظام‌های اجتماعی که آنها را اعم از امنیت فیزیکی تعریف می‌کند، جرائمی را که از نگاه خود دارای اهمیت و تأثیرگذاری اجتماعی بیشتری بوده است، مجازات‌های سخت‌تری قرار داده ولی تحت عنوان جرائم علیه امنیت آنها را بیان نکرده است لذا فقه امامیه در مقایسه با فقه اهل سنت از دسته‌بندی و حوزه‌بندی ضعیف‌تری در حوزه جرائم علیه امنیت برخوردار است. در این راستا افساد فی الارض را نمی‌توان جرمی در کنار سایر جرائم علیه امنیت بلکه به عنوان مناطی برای تعیین جرم امنیتی در هر عرصه اجتماعی بیان نمود. (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۲ق: ۶۳۸) افساد فی الارض گاهی در عرصه فرهنگی، گاهی در عرصه اقتصادی و گاهی در سایر عرصه‌ها صورت می‌گیرد و عناوین خاصی را در هر عرصه به خود اختصاص می‌دهد مثلاً فردی که تجرید السلاح و اخافه الناس انجام داده در حقیقت افساد فی الارض در حوزه امنیت عمومی مرتکب شده و عنوان محارب را به خود اختصاص می‌دهد^۲ و یا افرادی که علیه حکومت اسلامی قیام مسلحانه انجام می‌دهند در حال افساد فی الارض در عرصه

1. Referent object of security

۲. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

سیاسی هستند و عنوان بغی را به خود اختصاص می‌دهند.^۱ ملاک در افساد فی الارض اخلال جدی در نظام‌های اجتماعی است که در تعاریف از امنیت نیز بیان شد و در ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی نیز صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است.

مبتنی بر این نگاه می‌توان در تبار فقه نظام‌ساز شیعه با ارائه دسته‌بندی بدیع از نظام‌های اجتماعی^۲، جرائم علیه امنیت را با گفتمان توحیدی (گفتمانی فراتر از گفتمان ایجابی و در بردارنده مؤلفه توسعه قلمرو جغرافیایی امنیت، توسعه عرصه‌های موضوعی امنیت، تعریف مؤلفه عدالت در شاخص‌های امنیت و ...) و با رویکرد موسع به امنیت در ذیل نظام‌هایی شامل نظام سیاسی، نظام حقوقی، نظام تربیتی، نظام فرهنگی، نظام اقتصادی مطابق و متناسب دانست. ملاک و محوریت در این نگاه برای تحقق جرمی امنیتی، برنامه‌ریزی و اقدام به منظور ایجاد اخلال مؤثر در نظام اجتماعی است و مرجع امنیت در این رویکرد مردم می‌باشند نه حکومت. البته حفظ حکومت از این حیث که تنظیم‌کننده نظام‌های اجتماعی برای مردم است قطعاً دارای اهمیت ویژه می‌باشد.

مفصل‌بندی تبارها و نتیجه‌گیری

تطبیق سیر تطور مفاهیم امنیتی و مفاهیم حقوقی جهان با سیر تاریخی حکمرانی در ایران، حاکی از بروز و نمود تبارهای ۵ گانه در جرائم علیه امنیت در ایران است که تحت تأثیر گلوگاه‌های تاریخی از جمله فتح ایران توسط عرب‌های مسلمان، مشروطیت، ترجمه مواد قانونی حقوق فرانسه، انقلاب اسلامی و ... شکل گرفته‌اند. تبارهای ۵ گانه هر یک دارای مختصاتی به لحاظ مؤلفه‌های گفتمان امنیتی، رویکرد امنیتی، حوزه امنیت و عرصه‌های جرایم علیه امنیت می‌باشد که مفصل‌بندی تبارها و تمایز آنها را مشخص می‌کند. جدول پیوست به طور مختصر بیانگر مقایسه این مؤلفه‌ها است. از آنجایی از وجوه مزیت روش تبارشناسی ارائه گفتمانی جدید در پی بررسی مسیر تاریخی تحول یک موضوع می‌باشد، نگارنده معتقد است گفتمان یا تبار مناسب با اقتضائات انقلاب اسلامی ایران تبار فقه شیعه با رویکرد نظام‌ساز است. بر این اساس هر

۱. ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲. تفکیک نظام‌های اجتماعی بر اساس تقسیم‌بندی ثنایی نیازهای مادی و معنوی، و ابزار الزام‌های درونی و بیرونی و لزوم نظام سازمان‌دهنده نظام نیازها به نام نظام سیاسی که مجموعاً پنج نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و قضایی را نشان می‌دهد. (علیپور، ۱۳۹۹: ۱۲۱)

یک از تبارهای گذشته تحت تأثیر گفتمان و رویکرد امنیتی حاکم بر شرایط تاریخی خود، عناوینی را در حوزه جرائم علیه امنیت جرم‌انگاری کرده اند که در وضعیت کنونی و با گسترش تهدیدهای امنیتی به لحاظ قلمرو تأثیر، عرصه‌های موضوعی، منشأ سازماندهی و ... امکان رفع نیاز حکومت اسلامی در مقابله با جرائم علیه امنیت را فراهم نمی‌کند. بر این اساس تنها راه، تمسک جدی به فقه اسلامی شیعه با رویکرد فقه نظام‌ساز و تأسیس نظام حقوقی مستقل در حوزه جرائم علیه امنیت است که منطبق بر گفتمان توحیدی به امنیت با رویکرد موسع در قلمروی فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور و ناظر به تمام عرصه‌های مصالح‌خمس به جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت می‌پردازد.

ردیف	نام تبار فقهی حقوقی	گفتمان امنیتی	رویکرد امنیتی	حوزه امنیت	عرصه های جرائم علیه امنیت
۱	حقوق ایران پیش از اسلام	سلبی	تقلیل گرایانه	خارجی	دفاعی نظامی
۲	فقه اسلامی اهل سنت	ایجابی	معتدل میانه	داخلی و خارجی	دفاعی نظامی، سیاسی، معنوی
۳	حقوق ایران پیش از انقلاب اسلامی	سلبی	تقلیل گرایانه	داخلی و خارجی	دفاعی نظامی، سیاسی
۴	حقوق ایران پس از انقلاب	ایجابی	معتدل میانه	داخلی و خارجی	دفاعی نظامی، سیاسی
۵	فقه اسلامی شیعه	توحیدی	موسع	وطن توحیدی	مصالح‌خمس (تمام نظامات اجتماعی)

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آردی مک کین لای آر. لیل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- اباذری فومشی، منصور، (۱۳۸۷)، مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری، تهران، اندیشه عصر
- ابریشمی راد، محمد امین (۱۳۹۴)، شرح مبسوط قانون اساسی، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان
- اختری، محمد علی (۱۳۸۴)، تاریخ حقوق ایران، نشریه کانون، شماره ۵۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، رقابت سیاسی در چارچوب، مجموعه مقالات همایش رقابت‌های سیاسی و امنیت ملی، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسماعیلی، محسن، بالایی، حمید، بالایی، حمید. (۱۳۹۴). الگوی راهبردی تأمین امنیت ملی در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۵-۳۷، ۸ (۲۷).
 Dor: 20.1001.1.25381857.1394.8.27.1.3
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳)، ایمان و ایمنی: بررسی تطبیقی گفتمان امنیت ایمان محور و منفعت محور، مجله پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبد شکافی تهدید، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- اکرمی، موسی، اژدریان شاد، زلیخا (۱۳۹۱)، تبارشناسی از نیچه تا فوکو، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۷۰.
- بامداد صوفی، جهانیار (۱۳۹۷)، تبارشناسی روش‌های تحقیق در علوم انسانی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت، شماره ۸۸.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی
- پیر نیا، حسن، اقبال، عباس (۱۳۹۱)، تاریخ ایران، تهران، انتشارات مهتاب
- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۷۹)، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق)، نضد القواعد الفقہیة علی مذهب الامامیة، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی
- حلی، جمال الدین (۱۴۱۰ق)، المقتصر من شرح المختصر، مشهد، البحوث الاسلامیه
- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی "مبانی تکمله المنهاج"، جلد ۱.
- خمینی رحمه الله علیه، روح الله (۱۴۲۲ق)، استفتائات، جلد ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی

- رحمت الهی، حسین؛ لکزایی، نجف؛ ارسطا، محمد جواد؛ حاج زاده، هادی (۱۳۹۴)، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، مجله فقه و حقوق، شماره ۴۴.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۷) نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- زراعت، عباس (۱۳۸۱)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، ققنوس
- سالاری شهربابکی، میرزا مهدی (۱۳۸۷)، جرائم علیه امنیت کشور، تهران، میزان
- سعدی، حسینعلی (۱۳۹۵)، حجیت در اجتهاد نظام ساز با تأکید بر آراء آیت الله سید محمد باقر صدر، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۳۶.
- السعد التفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۲۱ق)، شرح العقاید النسفیة، مصر، المكتبة الأزهرية للتراث
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵ق)؛ مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقہیة الأساسیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، حقوق جزای اختصاصی (۳) (جرائم علیه آسایش عمومی)، تهران، مجد
- شمس الدین، محمد مهدی (بی تا)، حاشیة الباجوری علی شرح الغزی، ج ۲.
- شمس الدین، محمد مهدی (۱۴۱۱ق)، نظام الحكم و الادارة فی الاسلام، قم، دارالثقافة.
- صادقی، سالار، اکبری، عباسعلی (۱۳۹۹)، بررسی جرم شناختی جرایم علیه امنیت با رویکرد جامعه شناسی جرائم، نشریه مطالعات جامعه شناسی، شماره ۴۸.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۴ق)، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳)، قم، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- طاهری، مهدی، حکمی، رسول (۱۳۹۵)، سیر تحول و تکامل فقه سیاسی در ادوار تطور فقه سیاسی شیعه، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق)، القواعد و الفوائد، قم، انتشارات مفید.
- علیپور، محمد حسین (۱۳۹۹)، بررسی فقهی نقش حکومت اسلامی در مواجهه با تهدیدات امنیتی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- علیپور، محمد حسین (۱۳۹۴)، تحلیل بعد امنیتی تهاجم فرهنگی در فقه امامیه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مجازات اسلامی.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۶۸)، محاربه و افساد فی الارض، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی (۱۴۰۶ق)، الاحکام السلطانیة، الطبعة الثانية، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران، انتشارات راشا.

موحدی لنگرانی، محمد فاضل (۱۴۲۲)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع).

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۵)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان.
میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۳)، نظام سیاسی، امنیت ملی و حوزه‌های تأثیر سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳۶.

ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی ۳، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
یزدیان، جعفر (۱۳۸۶)، جزوه حقوق جزای اختصاصی، کاشان، دانشگاه کاشان.
یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۵)، تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت، نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۴.

Drolet, M. (2017). A Companion to intellectual history, john wiley and sons.

Di Georgio, P. (2013). Contingency and Necessity in the Genealogy of Morality, TELOS.

